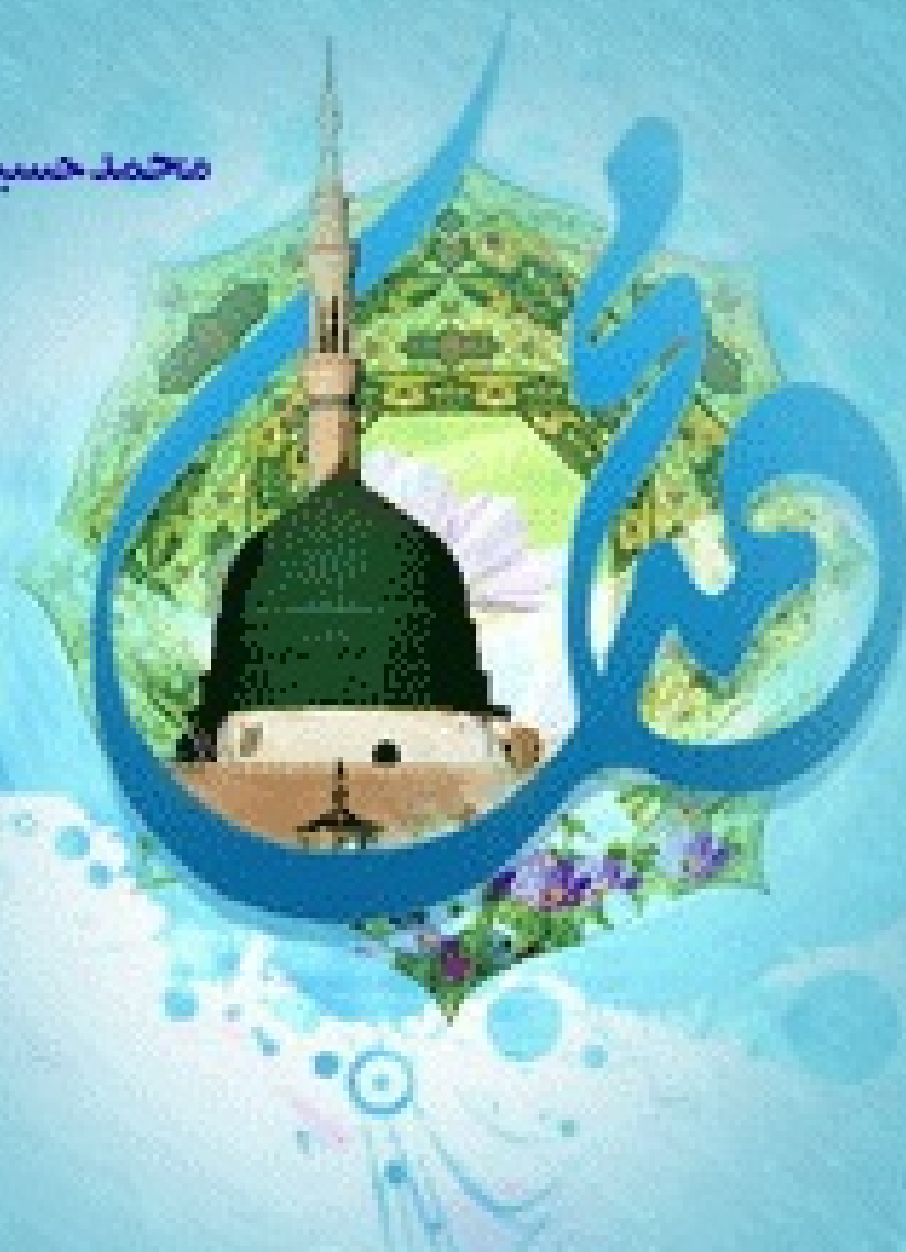


رسالت قرآن و پیامبر (ص)

محمد حسینی شیرازی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رسالت قرآن و پیامبر (ص)

نویسنده:

آیت الله العظمی سید محمد شیرازی (ره)

ناشر چاپی:

هاشم

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	رسالت قرآن و پیامبر(ص)
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه مترجم
۶	نزول قرآن
۷	ختم نبوت و تعیین اوصیا
۹	بهترین دستور، و بهترین تطبیق کننده
۱۰	آیا ممکن است اسلام مجدداً حکمفرما شود؟
۱۲	راه برگشت اسلام به زندگی چگونه است؟
۱۳	تقویت نیرو در مقابل دشمن
۱۵	تقویت نفس و روح
۱۶	تقوی از مهمترین عوامل پیروزی
۱۷	مقایسه بین اسلام و دیگر مکتبها
۱۸	صنعتی کردن کشورهای اسلامی
۱۹	معرفی و تبلیغ اسلام در غرب
۲۰	آزادی در اسلام
۲۱	نتیجه بحث
۲۲	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

رسالت قرآن و پیامبر(ص)

مشخصات کتاب

سرشناسه: حسینی شیرازی محمد، ۱۳۰۵ - ۱۳۸۰

عنوان و نام پدیدآور: رسالت قرآن و پیامبر / محمد شیرازی ترجمه علی فالی

مشخصات نشر: قم نشر هاشم [۱۳۶۴].

مشخصات ظاهری: ۶۸ ص.

شابک: ۶۵ ریال

موضوع: اسلام -- مسائل متفرقه

شناسه افزوده: فالی علی مترجم

رده بندی کنگره: BP۸/ح۵ر۵ ۱۳۶۴

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۰۲

شماره کتابشناسی ملی: م ۷۰-۵۷۸۴

مقدمه مترجم

مقدمه مترجم در زمانی که در عراق بودیم سالی چند بار در نجف اشرف و کربلای معلی، زیارت‌های مخصوص حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت ابی‌عبدالله‌الحسین علیه السلام مانند غدیر و مولود در نجف و نیمه رجب، و نیمه شعبان، و اربعین در کربلا اتفاق می‌افتاد که در این ایام هزاران نفر از ارادتمندان و شیعیان اهل بیت عصمت و طهارت از کشورهای خلیج و هند و پاکستان و ایران و افغانستان و آفریقا و سوریه و لبنان و سایر نقاط جهان به نجف و کربلا آمده و برای اظهار محبت و مودت و دوستی به حضرت امیرالمؤمنین و سیدالشهداء علیهما السلام به زیارت می‌پرداختند. و چون حضرت آیه‌الله العظمی مجاهد آقای حاج سید محمد شیرازی دام‌ظله، همیشه در فکر بودند که بتوانند هدیه‌ای معنوی از برای آن جمعیت انبوه تقدیم نمایند، لذا در هر مناسبتی کتاب مختصری تألیف کرده و بعد از چاپ، هزاران نسخه آن را به صورت جزوه به مردم هدیه کرده تا اینکه با وظایف خود، اسلام و تشیع، برنامه‌های مذهبی و خاندان عصمت و طهارت (ع) بیشتر آشنا شوند. این کتاب مختصر که در روز بعثت حضرت محمد صلی الله علیه و آله نوشته و پخش شده است در باره چگونگی پیاده کردن قوانین اسلام و احکام قرآن به دست امین وحی خدا یعنی خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله نوشته شده است... امیدواریم مسلمانان جهان با اقتدا به رهبر و نجات‌دهنده آنها در دنیا و آخرت یعنی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و اهل بیت اطهارش (ع) برنامه‌ها و دستورالعمل‌های حضرتش را در زندگانی پیاده کرده، و آن را زنده کنند تا دو مرتبه عزت و سعادت از دست رفته خود را یافته و با تمسک به قرآن و عترت، پروردگار متعال نظر لطف و مرحمت به آنها بیفکند، و از گرفتاریها و بدبختیها و استعمارگران شرق و غرب رهائی یافته و به خوشبختی دو جهان نائل گردند. به امید روز پیروزی اسلام بر کفر جهانی و پیاده کردن احکام اسلام و ظهور حضرت مهدی آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و سرافرازی مسلمانان جهان. آمین رب العالمین. سید علی فالی الحمد لله رب العالمین، والصلاة والسلام علی محمد و آله الطاهرين.

نزول قرآن

نزول قرآن در بیست و هفتم رجب ۱۳۸۷ هجری چهارده قرن بر بعثت حضرت محمد صلی الله علیه وآله رسول بزرگوار اسلام می‌گذرد. در این روز اولین سوره قرآن کریم بر پیامبر نازل شد، البتّه قرآن یک مرتبه کامل از طرف پروردگار متعال (به بیت‌المعمور) که در آسمان می‌باشد نازل شد، و در ماه مبارک رمضان در قلب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله این وحی آسمانی جایگزین شد، که خداوند در قرآن کریم اشاره می‌فرماید: (شهر رمضان الّذی أنزل فیهِ القرآن) ماه رمضان که قرآن در آن نازل شد. و می‌فرماید: (أنا أنزلناه فی لیلة القدر) ما آن را در شب قدر (بر قلب پیامبر) نازل کردیم، که همه مسلمانان می‌دانند که شب قدر افضل‌ترین شب ماه مبارک رمضان است، پس از آن در ظرف بیست و سه سال کم‌کم و آیه آیه توسط امین وحی خدا یعنی جبرئیل بر حضرت رسول صلی الله علیه وآله نازل شد، که ابتدای نزول آن در (غار حراء) در مکه مکرمه در بیست و هفتم ماه رجب، سیزده سال قبل از هجرت پیامبر صلی الله علیه وآله به مدینه منوره بود، در وقتی که حضرت رسول صلی الله علیه وآله در آن غار مشغول عبادت و راز و نیاز با پروردگار خویش بود. در این اثنا جبرئیل از طرف خداوند از آسمان نازل شد، و به حضرتش خطاب کرد و گفت: بخوان. حضرت محمد صلی الله علیه وآله فرمودند: چه بخوانم؟ جبرئیل گفت: (بسم الله الرحمن الرحیم، اقرأ باسم ربّک الّذی خلق، خلق الانسان من علق... تا آخر سوره). به نام پروردگار بخشنده مهربان، بخوان به نام خداوندی که خلق کننده است، و انسان را از علقه (نوعی کرم که با چشم دیده نمی‌شود) خلق کرد. مانند چنین روزی خداوند به بشر، بزرگترین هدیه خود را تقدیم کرده و مهم‌ترین دستورالعمل را از برای یک زندگانی سعادت‌بخش در دنیا، که انسان با عملکرد آن به عظیم‌ترین راه سعادت ابدی یعنی بهشتی که عرض آن به عرض آسمانها و زمین است خواهد رسید، و آن نزول قرآن کریم بوده از طرف پروردگار برای دستورالعمل بشر. این کتاب، بر محبوب‌ترین و بزرگوارترین پیامبر خدا نازل شده که ایزد متعال درباره عظمت او در یک حدیث قدسی می‌فرماید: (لولاک لما خلقت الأفلاک). (اگر وجود پرچود تو را نیافریده بودم، زمین و آسمان و دیگر افلاک را هم خلق نمی‌کردم). لذا، بر مسلمانان است بطور خصوص و بر سایر بشر است عموماً که این روز بزرگ را جشن گرفته، و به همدیگر دست برادری و اخوت داده، و با همت و اتحاد بیعت خود را با رسول بزرگوارشان تجدید کرده، و عهد و پیمان بندند که دوباره به کتاب آسمانی خود، یعنی قرآن کریم برگشته و احکام آن را دستورالعمل زندگانی خود قرار دهند، تا انشاءالله دو مرتبه شخصیت از دست رفته اسلامی خود را به دست آورده و استعمارگران غاصب و دشمن اسلام و انسانیت را از بین برده و بتوانند با همت والای خود و انفس قدسیه پیامبرشان، و عمل کردن به فرمانهای آن بزرگوار و کتاب آسمانیش باریگر به اسلام عزیز برگشته و با سعادت و خوشبختی یک دولت اسلامی هزار میلیونی تشکیل داده، و دنیا را از شرّ و کفر شرق و غرب نجات داده، و مستضعفان دنیا را به سعادت دنیا و آخرت کشانند.

ختم نبوت و تعیین اوصیا

ختم نبوت و تعیین اوصیا پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله خاتم انبیاء است، و بعد از او خداوند متعال پیامبری نخواهد فرستاد، و دین اسلام تا ابد و تا قیام قیامت دین جهانیان خواهد بود. و هر کس بعد از حضرت رسول (ص) ادعای پیامبری کند دروغگو و دجال است، و هر حکمی غیر از احکام اسلام بر مردم جهان عرضه شود تمام باطل است، چه آنکه از طرف پیامبران قبل از اسلام باشد، و چه از طرف بشر، چون حکم خدا بر تمام احکام برتری دارد، و ممکن نیست که عقل بشری بتواند بهتر از آن را بیاورد. حضرت محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم که آخرین پیامبر خدا است، از نواده‌های اسماعیل ذبیح‌الله فرزند حضرت ابراهیم خلیل الرحمان علیهما السلام می‌باشد، و افضل تمام بشر علی‌الاطلاق است، و او پیامبر بود در وقتی که حضرت آدم علیه‌السلام میان گل و آب بود. حضرتش از برای هدایت بشر مبعوث شد تا نمایانگر راه آنها به خیر دنیا و سعادت آخرت باشد، و می‌فرماید: (أنا بعثت لأتمم مکارم الأخلاق). من مبعوث شدم تا متمم تمام خوبیها شوم، و مردم را به اخلاق پسندیده دعوت کنم. اولین ازدواج پیامبر با

یک زن باشخصیت و پاکدامن و اصیل و پرهیزکار به نام (خدیجه کبری) بود، و در آن وقت عمر شریف حضرت بیست و پنج سال بود، و خداوند از ثمره این ازدواج اولادی به او عطا فرمود که یکی از آنها دختر بزرگوار او بی بی دو عالم صدیقه کبری حضرت فاطمه زهرا سیده زنان عالم علیهاالسلام است که نسل و ذریه حضرتش از ایشان می باشد، و او مادر حسن و حسین علیهماالسلام و بقیه خلفای برحق حضرتش می باشد، که اگر بخواهیم در شخصیت ایشان سخن بگوئیم احتیاج به یک کتاب جداگانه دارد، و همین برای عظمتش کافی است که او (معصومه) است، و اسلام صحیح و اصیل، از طرف او و فرزندانش به جهانیان رسیده است. عمر شریف حضرتش به چهل سالگی که رسید رسماً از طرف پروردگار متعال به پیامبری مبعوث شد، و سیزده سال در مکه مکرمه بود و مردم را به سوی خداپرستی دعوت می کرد، و در این راه از قوم و قبیله خود و بقیه مردم آن دیار جز اذیت و ناراحتی چیزی ندید، و آنقدر بر او ظلم و ستم روا داشتند که می فرماید: (ما أودى نبی مثل ما أودیت): (هیچ پیامبری به اندازه من از قوم خود اذیت و آزار ندید) ولی در مقابل به آنها دعا می کرد و می فرمود: (اللهم اهد قومی، فانهم لا یعلمون): (پروردگارا، قوم مرا هدایت کن و از تقصیر آنها بگذر، چون نادان می باشند). ولی هرچند آنها را نصیحت کرد و به یکتاپرستی دعوت کرد، نتیجه نداشت بلکه کینه و دشمنی آنها به حضرت رسول صلی الله علیه و آله بیشتر شد، تا اینکه تصمیم به قتل حضرتش گرفتند و ایشان ناچار مکه مکرمه را ترک کرده، و راهی مدینه منوره گشتند، که قبلاً بدر اسلام را در آن شهر پاشیده، و عده ای پیرو اسلام گشته بودند. لذا، مسلمانان آن دیار مقدم حضرت را گرمی داشتند و با استقبال گرم مسلمانان و مردم آنجا روبرو شدند. حضرت با فعالیت شبانه روزی خود و یارانش در مدینه اساس حکومت اسلامی را پایه ریزی کردند، و با سخنرانیهای گرم خود که توأم با آیات قرآنی بود، مردم را به اخوت و برادری دعوت کردند، و با اتحاد و اتفاق و پیروی از دستورات خداوند، از تنبلی و پستی و جنگ و دشمنی با یکدیگر نجات دادند، و توانستند با نیروی ایمان و نقشه های حکیمانه پیامبر صلی الله علیه و آله در اندک زمانی، مکه معظمه و بعد هم جزیره عربستان را به اسلام دعوت کنند، و بعد هم نقشه جهانی کردن اسلام را پیاده نمایند. بعد از ده سال تبلیغ و خدمت مسلمانان به بزرگترین تمدن آن روز دست یافتند، ولی در اثر سمی که یک زن یهودی در غذا به خورد آن حضرت داد، روح بزرگش به عالم اعلی پرواز کرد، و در هنگام وفات عمر شریفش شصت و سه سال بود. قبل از وفات از برای خودش به امر پروردگار متعال دوازده وصی و خلیفه تعیین کرد، که یکی پس از دیگری زمام امور مردم را به دست گیرند، و آنها را به راه راست و اسلام صحیح هدایت گردانند، و فرمودند: هرکس از خط آنها دور شود، و راهی غیر از راه آنها انتخاب کند، گمراه است. خلفای آن حضرت عبارتند از:

- ۱- امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام ۲- حضرت امام حسن علیه السلام ۳- حضرت امام حسین سیدالشهداء علیه السلام ۴-
- حضرت امام زین العابدین سجاد علیه السلام ۵- حضرت امام محمد باقر علیه السلام ۶- حضرت امام جعفر صادق علیه السلام ۷-
- حضرت امام موسی کاظم علیه السلام ۸- حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام ۹- حضرت امام محمد جواد علیه السلام ۱۰-
- حضرت امام علی هادی علیه السلام ۱۱- حضرت امام حسن عسکری علیه السلام ۱۲- حضرت امام حجة بن الحسن العسکری علیه السلام که ایشان، یعنی امام دوازدهم زنده و از انظار مردم غائب است هم چنانکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و بقیه ائمه علیهم السلام اطلاع دادند، که در آخرالزمان در وقتی که مشیت خداوند تعلق گیرد ظاهر خواهد شد، و دنیا را بعد از آنکه پر از ظلم و جور شده، پر از عدل و داد خواهد کرد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و دختر بزرگوار و عالی مقامش حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام، و این دوازده حجت خدا بر مردم که نام بردیم معصوم می باشند، و هیچ گناه و خلافی از آنها سر نخواهد زد، از هر بدی و زشتی منزّه می باشند، و خداوند در باره آنها فرموده است: (انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا). یعنی: (خداوند می خواهند شما اهل بیت عصمت و طهارت را همیشه از بدیها پاک و منزّهتان گرداند) لذا فضائل و کمالات آنها به حد اعلی می باشد، که در دنیا بیش از آن قابل امکان نیست، و آنها از سوی پروردگار دارای تمام علوم و فضائل و خوبیها می باشند، و بر تمام بشر واجب است که از آنها پیروی کنند، چون پیروی از آنها پیروی از پروردگار است، و مخالفت با آنها مخالفت با خدا و

سرپیچی از احکام و دستورات اوست. حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله پیروی خلفای دوازده گانه خود را با قرآن برابر دانسته و به مسلمانان فرموده است: (اَنْتِ تَارِكٌ فِیْکُمْ التَّقْلِیْنَ کِتَابِ اللّٰهِ وَ عَتْرَتِیْ اَهْلِ بَیْتِیْ، مَا اِنْ تَمَسَّکْتُمْ بِهَمَّا لَنْ تَضَلُّوْا بَعْدِیْ اَبَدًا، وَ اَنْهَمَا لَنْ یَفْتَرِقَا حَتّٰی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضِ). یعنی: من در میان شما دو گنجینه سنگین و پرارزش را گذاشته‌ام: یکی: کتاب خدا. و دیگری: عترت و اهل بیت خودم (که مفسّر قرآن و احکام آن می‌باشند). اگر به این دو گنجینه گرانبها متمسک شوید، بعد از من گمراه نخواهید شد. و این دو از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه نزد حوض کوثر، بر من وارد شوند.

بهترین دستور، و بهترین تطبیق کننده

بهترین دستور، و بهترین تطبیق کننده قرآن، دارای بهترین دستورات و احکام الهی است، و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بهترین تطبیق کننده این دستورات بودند. دانستن یک نظام صحیح که بتوان بشر را به آن دعوت کرد، و آن را با عقل و ادراک بشری نزدیک ساخت، امری است بسیار مشکل، ولی نظامی که گرفتاریهایش نسبتاً کم باشد، و به راه صحیح نزدیک باشد از مشکل ترین اموری است که حکما و فلاسفه را متحیر ساخته، و همیشه به فکر فرو برده است. از زمان قدیم هر کس که آمده و دستور العملی برای بشر ساخته بعد از مدتی به مشکلات برخورد کرده و از همه لحاظ احتیاج به اصلاح داشته، و با زمانی توافق می‌کرده، ولی با پیشرفت علوم و تمدن بعد از مدتی، قابل تطبیق نبوده است. لذا، همیشه عقلا و مفکرین جهان در هر زمان و هر مکان، کنفرانسها تشکیل می‌دهند و جلسات طولانی دور هم جمع می‌شوند، و شبها و روزهای فراوانی را باهم به بحث و بررسی امور می‌پردازند، تا شاید بتوانند نظام صحیحی از برای مردم بیاورند، و آن را دستورالعمل زندگی قرار دهند، و فکر می‌کنند: چه نظامی از برای مردم و حکومت صحیح است؟ چگونه باید اقتصاد مملکت تنظیم شود؟ چه دستوراتی از برای حلّ امور قضائی و مشکلات آن بهتر است؟ وضع ارتش، پلیس و کارندهای دولت باید چگونه باشد؟ چگونه باید با فساد و دزدی و زور گوئی مقابله کرد؟ و همچنین نسبت به تمام شئون مربوط به مملکت و یا ملت، خانواده، تجارت، کشاورزی، صنعت، فرهنگ، و تربیت و غیره... ولی اگر انسان عمیقاً اسلام را مطالعه کند، و برنامه‌های آن را بداند، و بتواند آن طور که خدا و پیامبر و ائمه اطهار دستور داده‌اند به آن عمل کند، خواهد دانست که تنها راه نجات از بدبختیها و گرفتاریها قرآن است، که دارای بهترین قوانین و احکام از برای بشر است، و افضل، و اکمل، و صحیح ترین دستورالعملی است که ممکن نیست کسی بتواند مانند آن را تا روز قیامت بیاورد. این، یک امر طبیعی است، چون قرآن از لحاظ دستور و قانون به حدّ کمال رسیده است، و آن را خدائی که خود خالق بشر است، برای آنها انتخاب کرده، و اگر ممکن بود قانونی بهتر از این در دنیا اجرا شود، خدا همان را از برای بندگانش می‌فرستاد. لذا قوانین بشری، در مقابل قرآن، تمام ناقص و غیر قابل قبول است. قرآن، نظام و برنامه خدا و خالق هستی و کائنات است، او بشر را آفریده، و احتیاجات بندگان خود را از روزی که آنها را روی زمین خلق کرده تا قیام قیامت می‌داند، و او به بندگان خود رؤوف و مهربان است، و در مقابل دستورهایش هیچ احتیاجی به ثروت و جاه و مقام ندارد، لذا در دستورهای قرآن تمام عناصر کمال موجود است که آن عبارت است از: علم منظم پروردگار به تمام امور، و احتیاج نداشتن مطلق او به بندگان، و مهربانی او نسبت به بشر. اما سایر نظامها که از فکر و مغز بشر درست شده، هرچند کسی که این نظامها را می‌گذارد و از برای بشر وضع می‌کند، مجرد از منافع شخصی و فرصت طلبی باشد، ولی ممکن نیست که از روحیه‌های افراد بشر و ریزه کاریهای کائنات اطلاع داشته باشد، مخصوصاً نسبت به نسلهای آینده، و پیشرفتهائی که قطعاً در آینده انجام خواهد شد. لذا، اگر نظری به قوانین جهان امروز اندازیم، خواهیم دید همیشه مانند کشتی در طوفان است، و هر روز یک قانون جدید می‌شود، و قانون قبلی را نقض می‌نماید، لذا همیشه مشاکل روی هم متراکم و زیاد می‌شود و گرفتاریها و بدبختیهای مردم افزوده می‌شود... این از یک سو. از سوی دیگر احساسات و عواطف و

دل‌بستگیها و دیگر انگیزه‌های بشری لا‌بید و حتماً اثرات خود را در قانون‌گذاران خواهد گذاشت، هرچند که آنها منزّه و متقی باشند، و کمترین این احساسات، در زندگی و محیط و عادات و تقالید و طرز تربیت و فرهنگ آنها می‌باشد، آیا ممکن است انسان خود را از تمام اینها تهی کند، و قانون‌گذار شود؟ اضافه بر این، ادله علمی که مقایسه و مقارنه کردن میان نظام‌های بشری، و قوانین عالیله قرآن است می‌گوید، هیچ نظامی شبیه نظام آسمانی نیست، و هرچند نظامهای خوب جهان امروز که بعد از هزاران انقلاب و آزادی و زحمات طاقت‌فرسا به وجود آمده با اسلام مقایسه شود، باز هم افضل و اکمل و بهتر آن در قرآن کریم است، و به این حقیقت فلاسفه و حکمای غرب که هیچ ربطی به اسلام ندارند اعتراف کرده‌اند. این نسبت به قرآن. ولی نسبت به حضرت رسول عالیقدر و بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله، اگر نظری در تاریخ مفصل جهان از روز خلقت تا امروز بنگریم، مردی دیده نشده که در کارها و رفتار و کردارش حتی شباهت به حضرت محمد صلی الله علیه و آله داشته باشد، دینی را از برای بشر بی‌آورد که میان زمین و آسمان را ربط دهد، و خواسته‌های روحی و جسمی بشر را برآورده سازد، و میان عقل و عاطفه انسانی موافقت ایجاد کند، و دنیا و آخرت را از برای سعادت بشر جمع کند، و بتواند آن را بر مردم تطبیق کرده، و خودش از طرف پروردگار مؤسّس دین و دولت آنها شود. در وقتی که وضع مردم و سرزمین حجاز طوری بود که این کار در آنجا از سخت‌ترین امور به شمار می‌آید، چون از طرفی وضع جهانی آن روز اقتضا نداشت که پیامبر بتواند چنین کاری انجام دهد، و مردم آن دیار از لحاظ تمدن متأخرترین مردمان، و از لحاظ وحشیّت همین بس که کودکان خود را زنده به گور می‌کردند، و در میان دو ابرقدرت نیرومند آن روز، یعنی فارس و روم قرار گرفته بودند. آیا مانند پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم مثل و مانندی سراغ دارید که بتواند یک چنین محیطی و چنین مردمانی را به اوج عظمت و سرافرازی رساند که جهان فارس و روم از برای آنها سر تعظیم فرود آورند؟ پس بر مسلمانان - و غیر مسلمانان - یعنی کسانی که ادّعی تمدن و دانش می‌کنند - واجب است که قرآن را دستورالعمل خود قرار دهند، و بر تطبیق احکام و قوانین آن، از حضرت محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت اطهارش پیروی نمایند، و بدانند که اسلام با معجزه بر مسلمانان تطبیق نشده، بلکه با گامهای دقیق پیامبر عزیز اسلام صلی الله علیه و آله پیاده شد، و تا به حال موجب اعجاب و تحسین بزرگان جهان می‌باشد.

آیا ممکن است اسلام مجدداً حکمفرما شود؟

آیا ممکن است اسلام مجدداً حکمفرما شود؟ آیا ممکن است اسلام دو مرتبه برگردد، و برنامه‌های رهائی‌بخش آن پیاده شود؟ سؤالی است بر لبهای همه کسانی که منتظر جواب می‌باشند... و اکثراً در جواب کلمه (نه) (ممکن نیست) (نمی‌شود) (با دنیای روز قابل تطبیق نیست) و غیره را می‌شنوند، ولی این جوابها یا از جهل و نادانی به اسلام است، و یا مغرضانه است، اینها دلیل می‌آورند: ۱- اسلام تطبیق نشد، و احکام آن پیاده نشد، مگر در یک دورانهای کوتاه، مانند دوران حضرت رسول صلی الله علیه و آله و بعضی از خلفای طاهرین و معصوم آن حضرت، و اما در سایر دورانهای فقط اسلام لفظی بود، و هیچ کس آن را تطبیق عملی نمی‌کرد، و در تاریخ مشاهده می‌کنیم که در دوران اکثر خلفای اسلامی، و کاخهای امرا و رؤسا و شبه آن از اسلام خبری نبود، بلکه همیشه به مقدّسات اسلامی اهانت شده و بر ضدّش عمل می‌شده، پس به عقیده ما دینی که حکامش این چنین به آن رفتار می‌کردند، قابل تطبیق نیست. ۲- قوانین و دستورات اسلامی بسیار سخت و دشوار است، آیا ممکن است در امروز قانون غلام و کنیز را تطبیق کرد؟ یا قانون بریدن دست دزد را؟ و آیا خمس و زکات از مردم گرفتن از برای اقتصاد سنگین مملکت اسلامی کافی است؟ و می‌شود مالیات زور و باطل را از مردم نگرفت؟ این بحثها و مجادلات هیچ واقعیتی ندارد، و برگشت اسلام به زندگی مردم بسیار آسان‌تر از بقای قوانین و زندگی با کفر است، و مثال برگشت اسلام به جامعه مانند سفر به هواپیما، و غیر اسلام از سایر نظامها، مانند سفر با چهارپایان است، پس هر وقت ما به اسلام برگردیم به هدفمان زودتر خواهیم رسید. و باید دانست که این آیا، آیاها تمام از حلقوم

استعمارگران پخش می‌شود، که می‌دانند اگر مسلمانان بیدار شوند و دو مرتبه اسلام را زنده کنند، آن آقائی و عزّت و شوکت از دست رفته خود را یافته، و همین غریبه‌ها، جیره خوار و زیر دست آنان خواهند گردید. اما اینکه می‌گویند اسلام تطبیق نشد، مگر در یک دوران کوتاه، این گفتار خلاف واقع است، چون که ظاهر عمومی کشورهای اسلامی در تمام تاریخ اسلام و حکومت آن اسلامی بوده، منتهای امر، خلیفه و یا امیر هتک حرمت اسلام می‌کرده، و در وضع شخصی خود و حاشیه و اطرافیانش بوده، و این بی‌حرمتیها را اکثر رؤسای بقیه مبادی و ادیان هم دارا می‌باشند، مانند نظامهای دموکراسی، که رؤسایش اکثرا مستبد و هتک قوانین را می‌کنند، ولی کشور از حالت دموکراسی بودن خارج نمی‌شود، و غرض ما از این کلام صبغه و نظر عمومی اسلام بوده، به این معنا که: دستور عمومی در قضاوتها قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله بوده، و مردم در احکام پیرو قرآن و دستورات آن بوده‌اند، خلاف امروز که دستورات العمل در تمام کشورهای به ظاهر اسلامی از غرب و یا شرق می‌آید، و ابدا در احکام از اسلام و قرآن اسمی نیست. اما اینکه می‌گویند: قوانین اسلام سخت است، خلاف واقع است، بلکه برعکس بسیار آسان است، اگر هر مسلمانی به قوانین اسلامی عمل کند، و این بحث مفصلی است که خواننده محترم باید مراجعه کند به کتابهای اسلامی و مطالعه کند تاریخ تطبیقی اسلام را (هدف از این کلام، کیفیت حکومت در کشور اسلامی است)، و بعد مقایسه کند آن را با کتابهای قوانین روز، و تاریخ جهان امروز، تا به دست آورد، کدام آسان‌تر و به حال مردم بیشتر موافقت می‌کند، و با فکر و عقل بیشتر سازش دارد. اگر بخواهیم وارد بحث افتخارات اسلام و تفصیل آن شویم باید یک بحث مفصلی را شروع کنیم، که آن با این کتاب مختصر مناسب نیست، ولی اشاره‌ای به آن می‌کنیم. قانون غلام و کنیز در اسلام، غیر از قانون حکمفرمای در جهان بوده، که (لنکولن) آن را ملغی نمود و از بین برد، بلکه قانون اسلام بهترین حلّ مشکل از برای اسرای جنگ کفار با مسلمین بود. ولی بنده و کنیز در دنیای غرب یک مهر عاری بر پیشانی انسانیت و بشر بود، که اسلام آن را از روز اول رفض کرد، پس افتخار از بین بردن بندگی برای اسلام است نه (لنکولن). قانون بندگی در اسلام این است که هر دولت باطلی که بدون دلیل و سبب، یعنی فقط دشمنی و عداوت، آن را وادارد که با مسلمانان جنگ کند، اگر مسلمانان عده‌ای از آنها را در جنگ اسیر کنند، حاکم و رئیس دولت اسلامی مخیر و آزاد است که: ۱- بر او منت نهد، و او را آزاد گرداند. ۲- از او تاوان و فدیة بگیرد، و آزاد گرداند. ۳- او را بنده گرداند - الی غیر ذلک - هر یک از این حکمها را می‌تواند بر حسب صلاح و حکمت انجام دهد. و بندگی یک نوع جریمه و اهانتی است از برای اسیر کافر تا اینکه چشم زخمی از برای بقیه کفار شود، و دیگر بیهوده با مسلمانان، دشمنی نکنند، و به کشورهای آنها یورش نبرند، و دیگر اینکه اگر اسیر زندانی شود، گذشته از اینکه باید خرج غذای او را داد، نیروی او هدر رفته، و ممکن است از لحاظ جسمی و روحی بیمار شود، ولی به عنوان بنده می‌تواند زیر نظر و سلطه مولایش آزادانه به هر کار و فعالیت که وارد است مشغول باشد، و خدمتگذار جامعه اسلامی قرار گیرد. آیا این کار بهتر از آن نیست که اسیر را کشته و یا زندانی گرداند؟ و فعالیت و نیروی او کوبیده شود؟ و اما اگر او را آزاد گذارند، ممکن است از او کارهای خطرناک و خرابکاری سرزند، و یا چون حمایت و پشتوانه‌ای ندارد کشته شود، و یا اینکه مفساد دیگری مانند جاسوسی از برای دشمن، و غیره انجام دهد، ولی وقتی زیر نظر یک شخص با شرایط مخصوص قرار گیرد به عنوان بنده، مقید گردیده و نمی‌تواند در دولت اسلامی خرابکاری و یا جاسوسی و کار خلافی انجام دهد. و من حاضرم جوابگوی هر کسی باشم که در این قانون، و آن حدودی که اسلام مقرر کرده از برای اسیر، حلّ بهتری ارائه دهد؟ اما قانون (بریدن دست دزد) تاریخ نشان می‌دهد که این قانون، دزدی را از کشورهای اسلامی و مردم آن از بین برد و نفی کرد، و در مدّت دو قرن کامل فقط در دولت اسلامی چند دست بریده شد، و حال باید از هر انسان باوجدان و منصفی سؤال شود آیا این بهتر است یا اینکه دزد را مدّتی در زندان گذاشت، و با دزدهای دیگر آشنا شود، و تازه شیوه و راه جیب‌بری و دزدی را بهتر یاد گیرد، و بعد از آزادی دو مرتبه با فوت و فنهای بهتری به کار دزدی ادامه دهد، و افراد دیگر هم جرأت دزدی کردن پیدا کنند؟ چون مجازات زندان برای افرادی که نفس آنها شرور و پست است چیز مهمّی نیست، لذا می‌بینیم

هر روز دزدی رو به ازدیاد است، دیگر چگونه می‌گویند که بریدن دست دزد، کاری زشت و ناپسند است، ولی نمی‌گویند آدم کشی زشت است، با اینکه قوانین جزائی از برای بعضی از جرمه‌ها قانون اعدام را گذاشته است؟ دیگر اینکه اینها فکر نمی‌کنند در جهان امروز چه جرمها، و آدم کشی‌هایی انجام می‌گیرد، از برای دزدی، و چه قدر افراد بی‌گناه هر ساله به قتل می‌رسند برای اینکه دزدان اموال آنها را سرقت کنند و یا اگر کشته نشوند چقدر علیل و زخمی موجود است که از برای دفاع از ثروت خود به دست دزدان آسیب دیده‌اند، چرا این کارها و جرمها را محکوم نمی‌کنند؟ ولی قانونی که اسلام از برای اصلاح جامعه قرار داده، و آن هم بعد از شروط فراوان، آنقدر مورد هجوم قرار می‌گیرد، آیا این غیر از دشمنی مغرضانه به قوانین اسلامی چیز دیگری است؟ اما خمس و زکات: هر دو، از دستورات بسیار خوب و افتخارآمیز اسلام است. چون که مالیاتهای اسلامی فقط در این دو به اضافه خراج و جزیه منحصر است، با اینکه همیشه پول در دولت اسلامی زیاد بوده، چون برنامه‌های اسلامی برای (کیفیت صرف مال) بسیار منظم می‌باشد، و این سه مطلب که مختصراً در باره آنها صحبت شد، احتیاج به یک کتاب مستقل دارد، تا این مختصر در آن شرح داده شود، و فقط باید دانست که مالیات غیر از اینها در اسلام نیست، چون اکثر امور مملکت اسلامی را مردم خود اداره می‌کنند، و چون دولت اسلامی مردمی است لذا احتیاج به مالیات ندارد، بلکه اکثر کارهای اجتماعی را مردم خود انجام می‌دهند، و دولت فقط باید ناظر باشد که خلاف شرع رفتار نکنند و به کسی اجحاف نشود، و مسلمین پیش روند.

راه برگشت اسلام به زندگی چگونه است؟

راه برگشت اسلام به زندگی چگونه است؟ این سؤال را همیشه اکثر مسلمانان بیدار که شیرینی احکام اسلام را درک کرده‌اند، و می‌دانند که تمام مشاغل مسلمین از این است که از چارچوب اسلام خارج گشته‌اند... می‌نمایند، و عده‌ای از مفکرین و نویسندگان اسلامی، جواب این سؤال را داده‌اند، ولی آنچه به فکر می‌رسد آن است که راه برگشت به اسلام بسیار سهل و آسان است، به شرط اینکه افراد قدرتمند و بانفوذ و شخصیت‌های متدین مسلمانان در کشورهای اسلامی پیاده کردن آن را به عهده بگیرند. اولین قدم این است که دانشگاه‌های ما که تمام قوانین وضعی شرق و غرب را در باره حقوق و قضاء تدریس می‌کنند، آن را مبدل به تدریس قوانین اسلامی نمایند، و اگر قوانین اسلامی جای قوانین کفرآمیز و ساختگی بشری را بگیرد، نظام مملکت کم‌کم اسلامی خواهد شد، چون دانشگاه حقوقی و قضائی خود مرکز نورافشانی تمام دستورها و نظامها است، لذا اگر تبدیل شود، نظام مملکت تبدیل خواهد شد، و این اول کار خواهد بود. اما نسبت به کیفیت و چگونگی این کار، باید عده‌ای داوطلبانه خود را وقف اسلام کنند، و شب و روز مشغول فعالیت شوند، و مسلمانان را از خواب غفلت بیدار کرده، و تشویق عمل به دستورهای اسلامی و قرآن نمایند، و هروقت ملت خودشان اسلام را بخواهند و حلاوت احکام آن را درک کنند، می‌شود با هم متحداً قیام نمایند، و از مسئولین خود بخواهند که در کشورهای اسلامی باید قوانین اسلام پیاده گردد، و این کار نباید فقط به زبان گفته شود، بلکه از برای تطبیق آن باید همگی اصرار ورزند، و نباید از کار خسته شوند، و هر چند زمان طولانی لازم داشته باشد، باید با صبر و حوصله، و در پنهان و عیان، سعی کنند، تا وسائل پیروزی بر حکمفرمایان را فراهم سازند، آن وقت خواهند دید که پیاده شدن قوانین اسلامی چقدر آسان است، چون کار کردن مسالمت‌آمیز ولی با اصرار، و تهیه کردن وسائل پیروزی و استعداد ملت قطعاً انسان را به هدف و مقصود می‌رساند، و تاریخ شاهد قول و گفته ما می‌باشد، چه در دوران قبل و چه در حال، البته معلوم است که افرادی که به این کار مهم، و این قیام مقدس دست بزنند، باید در راه هدف مقدس خود، خون بدهند، زندان بروند، شکنجه تحمل کنند، تا اینکه به هدف برسند. کما اینکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله از برای پیاده کردن اسلام، تمام این مشاغل را خود و یارانش تحمل کردند، و همچنین اهل بیت طاهرینش، ائمه دوازده گانه ما، که خلفای برحق او بودند، و دختر طاهره‌اش حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها، همه نوع شکنجه‌ها و اذیت و آزارها را از برای اسلام عزیز و واقعی تحمل کردند، ولی در نتیجه پیروز شدند و توانستند اسلام حقیقی

را تا حال نگه دارند، و به ما برسانند، و از انحرافات دور سازند. پس ما هم اگر واقعا پیرو معصومین علیهم السلام هستیم باید فعالیت کنیم تا اسلام را نگهداری کرده، و دستورات آن را پیاده کنیم، خصوصاً در این دوران که قوانین کفر در رگهای اجتماع ما ریشه دوانیده، و مانند سرطان شده است، و ریشه‌های اصیل اسلامی را از تمام زندگانی ما قطع کرده‌اند، و مسلمانی ما فقط اسمی بر زبانها مانده، و بعضی عادات و احکام آن را فقط اجرا می‌کنیم، و اگر وضع ما چنین باشد، قطعاً در نسلهای آینده اصلاً خبری از اسلام نخواهد بود، و اگر ما امروز احساس این مسئولیت را نکنیم عاقبت بدی در دنیا دچار نسلهای آینده ما خواهد بود، و خود ما عاقبت بدی در آخرت، در مقابل محکمه عدل پروردگار خواهیم داشت، چون پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرموده است: (کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة) یعنی: شما مسلمانان تمام باید مانند چوپانی باشید که مسئول حفظ گوسفندان خود است. امیدواریم که تمام مسلمانان در باره اسلام و قرآن، احساس مسئولیت کرده، و هر کس باندازه خود فعالیت نماید برای اعلاهی کلمه لا اله الا الله، محمّد رسول الله، که آن فقط توسط پیاده کردن احکام اسلام عملی خواهد شد.

تقویت نیرو در مقابل دشمن

تقویت نیرو در مقابل دشمن لازم است بر کسانی که در راه خدا و قرآن گام بر می‌دارند و فعالیت می‌کنند، بدانند که واجب است در مقابل کفار و مشرکین و دشمنان اسلام همیشه باید خود را نیرومند و قدرتمند گردانند، و سعی کنند تمام انواع سلاحهای را که دشمن به کار می‌برد فراهم نمایند، تا اینکه دشمن همیشه در هراس باشد، و بدانند که با یک کشور قوی و نیرومند روبرو است، و اگر چنین نباشد، با زور سر نیزه و قدرت تمام معادن و خیرات ما را می‌برند، و ما در مقابل مانند بنده ذلیل، باید تماشا کنیم، و اگر کوچکترین حرکتی انجام دهیم در نطفه خفه خواهیم شد. لذا دولتهای اسلامی باید سعی کنند، تمام انواع سلاحهای دنیای روز را به هر قیمتی که شده خود، در ممالک خویش تهیه و فراهم سازند، و مغزهای متفکر جوانان مسلمان را به کار اندازند، و از هوش سرشار آنها استفاده کنند، تا انشاءالله از دولتهای کفر قدرتمندتر شوند، و اگر جدّاً مسلمانان به این فکر بودند خداوند آنها را یاری می‌کرد، و از غریبها پیش افتاده بودند، چونکه فکر جوانان ما قطعاً از افکار آن مغزهای الکلی بیشتر کار می‌کند، ولی آنها از همان مختصر فکر و هوش و علمشان استفاده می‌کنند، و ما در خواب غفلت فرو رفته‌ایم، و اگر هم افرادی در ما نبوغ کنند به دست همان کفار می‌سپاریم، کما اینکه عده بسیاری از متفکرین و مخترعین و مبتکرین اروپا از جوانان مسلمان کشورهای اسلامی می‌باشند، ما باید خود مخترع شویم، و در مقابل شرق و غرب، عرض اندام کنیم نه اینکه همیشه دستمان به سوی آنها دراز باشد، و همیشه ثروتهای هنگفت از برای خرید اسلحه به آنها پردازیم، و باز هم زیر دست و مستضعف باشیم، و هر وقت دشمن اراده کند سلاح ندهد، و با یک چشم بر هم زدن، ما را از بین ببرد. پس باید همیشه در فکر بود که نیرویمان با دشمن مساوی باشد، آن وقت با نیروی ایمان که همیشه کمک و پشتوانه ما خواهد بود، پیروزی قطعی نصیبمان خواهد شد، البته این کلام بر طبق موازین طبیعی می‌باشد، که خداوند از برای این جهان قرار داده است، و الاً نتیجه عمل و فعالیت بسیار بعید به نظر می‌رسد، و وضع ما، در مقابل دشمن مانند توپ فوتبال خواهد بود که به هر طرف که بخواهند با پا می‌زنند. انسان مجاهد، دائماً باید قول پروردگار متعال را به نظر آورد، آنجا که می‌فرماید: (اَنَا لِنَنْصُرَ رَسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ) ما فرستادگان خود، و کسانی که به آنها ایمان آورده‌اند، یاری خواهیم کرد، در دنیا و در آخرت. و همیشه باید به یاد داشت که چگونه اسلام با عده مختصر کمی به پا خاست و پیشرفت کرد، این امور، و این طرز فکر، باعث می‌شود که امید انسان از برای کار کردن و برپا ساختن حکومت اسلامی زیاد گردد، و باید همچنین در مقابل آیات امید و پایداری و استقامت قرآن، آیات دیگر را هم در نظر گیرد و تطبیق کند، خداوند متعال می‌فرماید: (وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ) در مقابل کفار تا آن اندازه که برایتان امکان دارد نیرو جمع آوری کنید، و می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ) ای پیامبر، مؤمنین را بر جنگ با کفار تشویق کن. و باید بدانیم که چگونه

حضرت مسیح علیه‌السلام وقتی به اندازه کافی یار و یاور نداشت، یهودیها به گفته خودشان بر او مسلط شدند و او را خواستند اعدام کنند، ولی خداوند متعال به طرز، معجزه آسائی ایشان را نجات داد و به طرف آسمان پرواز کرد و هنوز هم به عقیده ما مسلمانان زنده و در آسمان چهارم مکان دارد، و روایات زیادی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله رسیده که حضرت عیسی علیه السلام در وقت ظهور امام زمان حضرت حجة بن الحسن المهدی (عجل الله تعالی فرجه)، در آخرالزمان به طرف زمین خواهد آمد، و یکی از یاران و یاوران امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) خواهد بود، ولی یهودیها بعد از آنکه خیال کردند که او به چوبه دار آویخته و اعدام شد، پیروان او را تا سیصد سال تعقیب کرده، و آنها را به انواع شکنجه‌ها کشیده، و از شهر و دیار خود در بدر می کردند، و همچنین بود حالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در ابتدای اسلام، که یاوران و پیروان او هنوز کم و ضعیف بودند، به انواع شکنجه‌ها مبتلا، و عده‌ای از آنها زیر شکنجه جان دادند، و می‌خواستند خود حضرت را به قتل برسانند، تا اینکه مجبور شدند از آن دیار هجرت کنند، مسلمانان به حبشه هجرت کردند، و بعد از آنکه پیامبر از دست مشرکین نجات یافت و به مدینه منوره هجرت کرد، مسلمانان دیگر هم به او ملحق گشتند، و آن حضرت در مدینه کم کم وسائل پیشبرد و پیروزی را آماده کرد و مسلمانان تقویت یافتند، و دشمن نتوانست حضرتش را از بین ببرد. در آن روز و آن زمان، حضرت توانستند وسائل جنگی و تبلیغاتی خود را تقویت کنند، به اندازه‌ای که در مقابل کفار ایستادگی نمایند، البته مسلمانان از لحاظ نیرو و سلاح ضعیف‌تر از کفار، ولی از لحاظ نیروی ایمان و تبلیغاتی بسیار روحیه قوی و ارزنده‌ای داشتند، و حضرت رسول صلی الله علیه و آله کمبود سلاح را با تقویت نیروی ایمان در مسلمانان، و نقشه‌های دقیق جنگی و روشهای فکری صحیح کامل گرداند. ولی امروزه، متأسفانه هیچ نسبتی میان نیروهای کفر و اسلام نیست (البته نه از لحاظ کمیت، ممکن است کسی خیال کند که ما عدد مسلمانان را که یک میلیارد می‌باشد می‌گوئیم) (۱) از جهت کیفیت سخن می‌گوئیم، که وسائل جنگی کفار به اوج عظمت نیروئی رسیده، و آنها می‌توانند در یک مدت کوتاه جهان را نابود گردانند، ولی وسائل و قوای ما مسلمانان با کمال تأسف باید بدون پروا گفت در بعضی اوقات زیر صفر می‌باشد، و این امر برای هیچ مسلمانی پوشیده نیست. چرا ما مسلمانان باید یک جنبه اسلام را که نماز و روزه و خمس و حج و غیره می‌باشد بگیریم، و جنبه دیگر آن را که مقابله با کفار و جمع‌آوری نیرو و سلاح است ترک کرده باشیم، و هیچ به فکر آن هم نیستیم که حیات ما، رهبری ما، اسلام ما، قرآن ما، شخصیت ما، آبرو و حیثیت، تمام مربوط به آن است که در مقابل شرف و غر ب بتوانیم ایستادگی کنیم، و تهیه وسائل نیروی خودمان را به دست جوانان و مخترعین و متفکرین خود تهیه کنیم. یکی از دوستانم قبل از مدتی از یکی از کشورهای آفریقائی آمده بود و با تأثر می‌گفت (اگر حالت مسلمانان به همین گونه که من در آنجا دیدم ادامه پیدا کند قطعاً کمتر از نیم قرن دیگر اسلام در آفریقا محو خواهد شد) بعد گفت: چون مسیحیان در آنجا رخنه کرده‌اند و در هریک از شهرهای آنها چهار بنیاد خیری تأسیس کرده‌اند: ۱- دبستان، از برای فرهنگ و عقیده کودکان ۲- کلیسا، برای دعوت به مسیحیت و عبادت مردم ۳- بیمارستان، برای معالجه بیماران ۴- یک بنیاد خیری از برای کمک به فقرا و محرومین جامعه آفریقائی که کمکهای خود را بدون مقابل در اختیار مردم می‌گذارد. البته تمام این خدمات در مقابل یک چیز است، و آن دست کشیدن از اسلام و قبول کردن مسیحیت است (یعنی پیروی کردن صد در صد مردم از غرب و استعمارگران، و تبعیت از آنها می‌باشد). آیا بعد از این تبلیغات و فعالیتها راهی می‌باشد که اسلام در آنجا رشد و نمو نماید؟ با اینکه هیچ یک از این بنیادهای اساسی را ما مسلمانان در آنجا نداریم؟ خلاصه: نیروهای کفر و گمراه کننده از دو جهت دارای بزرگترین قدرت می‌باشند، یکی مادی، و دیگری تبلیغاتی، و ما، در مقابل آنها دارای هیچ یک از آنها نیستیم، مگر به شکل خیلی مختصر و ضعیف (یا اینکه کشورهای اسلامی دارای منابع سرشار مادی و انسانی می‌باشند، ولی متأسفانه چون اکثر سران کشورهای اسلامی سرسپرده غرب و یا شرق می‌باشند، لذا این منابع را استعمارگران به ثمن بخش از دست آنها خارج کرده، و بعد منافع همان منابع اسلامی را از برای نابودی اسلام و مسلمانان بکار می‌گیرند) بدین جهت ما باید این دو نیروی فوق‌الذکر را در خودمان تقویت نمائیم، یا اینکه از لحاظ کمیت کمتر

اما از لحاظ کیفیت بیشتر باشد، پس لازم است از برای مبلغین و مجاهدین و خدمتگذارانی که می‌خواهند در راه رسیدن به حکومت اسلامی و برگشت اسلام کوشش کنند، و مسلمانان را دو مرتبه به حکم قرآن دعوت کنند، و دستورات اسلامی را پیاده گردانند، هیچوقت خود را گول نزنند، که فقط با امید به هدف خواهند رسید، و بگویند چون پروردگار متعال پشتیبان و یاور ماست پس هیچ قدرتی در مقابل اسلام نمی‌ایستد. آیا خداوند نفرموده است: (كَلَّا- نَمَدَّ هُوَ لَاءَ وَ هُوَ لَاءَ، مَنْ عَطَاءَ رَبِّكَ، وَ مَا كَانَ عَطَاءَ رَبِّكَ مَحْظُورًا). یعنی: هر یک را مدد می‌کنیم (اهل حق و باطل را) از بخشش پروردگارت، و بخشش پروردگارت باز داشته نخواهد شد. البته لطف و مرحمت پروردگار بر مسلمانان و کافر، و متدین و بی‌دین، و بر سر همه می‌باشد. چون دنیا را خداوند برای امتحان بندگانش قرار داده، و در اینجا هیچ کس را از لطف و کرمش محروم نمی‌گرداند. و چون دوره امتحان است، لذا از لحاظ لطف باران رحمتش بر سر تمام بندگانش می‌بارد. و در آخرت هر کس به نتیجه عمل خود خواهد رسید.

تقویت نفس و روح

تقویت نفس و روح در فصل گذشته متذکر شدیم که پیاده کردن احکام اسلام در جهان و جامعه، احتیاج به کار و کوشش افرادی مجاهد و مخلص دارد، البته باید گفت افراد هیچ وقت نباید مأیوس گردند، و اگر دیدند که مردم به آنها اقبال نمی‌کنند، بگویند چون زحمات ما به جایی نمی‌رسد، پس باید از کار و کوشش و جهاد و فعالیت دست برداشت. این، در واقع گول زدن خود، و فرار از کار است، با اینکه کار دسته‌جمعی قطعاً از برای رسیدن به هدف بهتر است و زودتر انسان را به پیروزی می‌رساند، ولی باید دانست که حاصل جمع کارهای فردی، کار اجتماعی می‌باشد، و نهرهای آب جاری ایجاد نمی‌شود مگر از چشمه‌های کوچک، و دریا از قطره‌های باران، و تاریخ بسیار نشان داده که کارهای فردی هسته اولیه‌اش از فکر یک نفر شروع شده و در آخر به نتیجه و هدف رسیده، بعد از اینکه فرد فرد، به کار جذب شدند، ولو بعد از مرگ فرد اول که بنیان‌گذار آن فکر و هدف بوده است. لذا، بر هر یک از مسلمانان واجب است که کار فردی را شروع کرده، و به اندازه توان و همت و کوشش خود، مردم را از برای پیاده کردن دستورات اسلام، و احکام قرآن دعوت کنند، گرچه در این راه یآوری نداشته باشند مگر ایزد متعال، و گرچه کارش بسیار کوچک هم باشد، بر هر مسلمان واجب است که به اندازه توان و نیروهای خود در این راه قدم بردارد، و همیشه باید سخن رسول اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام را به یاد داشته باشد، که فرمودند: (یا علی، لأن یهدی الله بک رجلاً واحداً، خیر لک ممّا طلعت علیه الشمس). یا علی، اگر خداوند متعال توسط تو، یک مرد را هدایت نماید بهتر است از برای تو، از آنچه آفتاب بر او می‌تابد، چون اسلام اجر و ثواب هدایت یک انسان را در آخرت و نزد خدا، بیشتر از ارزش تمام منظومه شمسی می‌داند، که از جمله آن زمین و خیرات و معادن و ثروت فراوان آن است که غیر از خداوند کسی اندازه آنها را نمی‌داند. اگر یک فرد، واقعاً خود را از برای اسلام وقف کرده باشد و شبانه روز کار جدی و مستمر انجام دهد، چه بسا بتواند بزرگترین خدمت بنیان‌گذاری یک حکومت اسلامی را به عهده بگیرد، و اگر هدفش واقعاً خدا باشد و در این راه همیشه او را در نظر داشته باشد، و تقوی و پرهیزکاری را در راه رسیدن به هدف در پیش گیرد، قطعاً خداوند هم او را کمک و یاری خواهد کرد. یکی از علمای ایران، که خدا یار و یاورش باشد، خود نقل می‌کرد که تصمیم گرفتم در مقابل مدارس دولتی که اکثر برنامه‌هایش از غرب و یا شرق می‌باشد، و در آنها از اسلام هیچ خبری نیست، بلکه برنامه‌های ضد اسلامی مانند تشویق بی‌حجابی، و نظریات داروین در آنها تبلیغ می‌شود، مدارس اسلامی تأسیس کنم. اول از یک اطاق در منزل خودم شروع کردم، و حال با گذشت ربع قرن، بحمدالله مدارس دینی ما، در ایران دارای پنجاه هزار دانش‌آموز می‌باشد، از پسر و دختر. و در لبنان، یکی از علما همتش را در این گذاشت که کتابهایی در باره اهل بیت عصمت و طهارت بنویسد، و ولای مردم را به خاندان حضرت رسول صلی الله علیه و آله محکم گرداند، و با این عمل خود، توانست وجهه لبنان را تغییر دهد، و مردم را از تشیع لفظی به تشیع عملی کشاند. از این مثالها زیاد است، که

همیشه یک فرد فعال توانسته در جامعه اثرات خوبی را بگذارد، همان طوری که غریبها مشغول فعالیت می‌باشند تا جوانان ما را از دین و اسلام دور سازند، ما هم باید با همان راه و روشها جوانان خود را به طرف اسلام سوق دهیم، و فکر آنها را از لحاظ دینی تقویت نماییم. فرد فعال و مجاهد همیشه باید نفس و روح خود را تقویت کند، و خیال نکند که نمی‌تواند به افراد مجاهد و بزرگ برسد، بلکه همیشه همت گمارد و تصمیم بگیرد و نیرو صرف کند، تا انشاءالله به هدف و مقصود خود برسد، و تصمیم او طوری باشد که سعی نماید نتیجه عملش را مهمتر از بزرگان پیاده کند، چنانکه شاعر می‌گوید: ان فریدون لم یکن ملکاً ولم یکن بالعیر معجوناً جاد و أعطی، فنال مرتبه فجده و أعطی، تکون فریدونا فریدون، از روز اول، پادشاه نبود، و با عنبر و بوهای خوش هم او را معجون نکرده بودند، ولی او از سخاوت و دست بازی به این مرتبه رسید، تو هم سخی شو، تا فریدون شوی. پس افراد فعال که توانسته‌اند بزرگترین خدمات را به اسلام کنند، هیچکدام ملائکه آسمانی نبودند، بلکه آنها هم یک فرد و بشر بودند، ولی نفس خود را تقویت کردند و شخصیت خود را با فعالیت و خدمت بالا بردند، تا اینکه به درجات عالی نائل گردیدند. و هر فردی می‌تواند به آنها اقتدا کند، اگر دوست دارد به اسلام و برگشت حکم قرآن در کشورهای اسلامی خدمت کند.

تقوی از مهمترین عوامل پیروزی

تقوی از مهمترین عوامل پیروزی شاعر می‌گوید: شکوت الی و کعب سوء حظی فأرشدنی الی ترک المعاصی و علله بأن العلم فضل و فضل الله لا یؤتی لعاصی به و کعب (که یکی از علما بود) از بدشانسی خود شکایت کردم. او مرا نصیحت کرد که دیگر گناه نکنم. و گفت: علم و دانش موهبتی است از جانب خدا. و این فضل و موهبت به گناهکاران داده نمی‌شود. شاید سخت‌ترین شرط از برای تطبیق اسلام چه از برای یک فرد و چه از برای تمام مردم (تقوی) و خدا را در هر حال به یاد داشتن در هر کوچک و بزرگی باشد، و این شرط اساسی پیروزی انسان است. در این راه ولو بعد از زمانی طولانی - کما اینکه از مشکل‌ترین امور، که پروردگار متعال در دفع عداوت می‌فرماید: (لا یلقاها الا الذین صبروا، ولا یلقاها الا ذو حظ عظیم). به آن نمی‌رسد مگر صابران، و جز صاحبان بهره بزرگ. و در مثال آمده: (فاقد الشیء لا یكون معطیا له) کسی که خود دارای چیزی نیست نمی‌تواند آن چیز را به دیگران ببخشد، پس کسی که می‌خواهد اسلام را پیاده کند باید اول نفس خود را با تقوی مسلح گرداند، و شب و روز مواظب آن باشد، و در هر حرکت و سکونی و قول و عملی، و داد و ستدی، و رضایت و غضب، و شبیه آن، خدا را در نظر داشته باشد، و هیچ خلافتی از او سر نزنند، و هیچ وقت فکر تهمت زدن و یا دروغ گفتن و غیبت کردن، و دو به هم زنی و بدبینی و غرور، و تکبر بر دیگران را نکنند، و با مردم با خوش اخلاقی و تواضع رفتار کند، یعنی آنچه حقیقت اسلام است به مردم نشان دهد. اما اینکه گفتیم از شروط مهم تطبیق اسلام و راه تبلیغ (تقوی) است، چون که اصلاً پیاده کردن اسلام برای همین هدف است، و آیا ممکن است انسان به هدفی برسد که خود به آن عمل نمی‌کند؟ دیگر آنکه چه نتیجه‌ای دارد که انسان سعی کند اسلام تطبیق شود، و دستورات آن پیاده گردد، ولی خود او به آن دستورات عمل نکند؟ آیا در این وقت مصداق قول پروردگار قرار نمی‌گیرد که می‌فرماید: (یا ایها الذین آمنوا لم تقولون مالا تفعلون)؟ ای کسانی که ایمان آورده‌اید چرا می‌گوئید آنچه را که خود عمل نمی‌کنید؟ و در حدیث آمده است: (ان من أشد الناس حسرةً یوم القیامة رجل دعی الی الله فقبل المدعو، فأدخله الله الجنة و أدخل الداعی الی النار بترکه لما دعی الیه). شدیدترین و سخت‌ترین مردم از لحاظ غم و اندوه و افسوس فراوان در روز قیامت را مردی دارا است که مردم را به سوی خدا دعوت می‌کند، و شنوندگان به واسطه سخنها او به بهشت می‌روند، ولی دعوت کننده به سوی جهنم روانه خواهد شد، چون او به آنچه می‌گفت عمل نمی‌کرد، و چون که محور دعوت به سوی خدا از برای رضایت او است، لذا می‌بینیم انبیاء و ائمه اطهار علیهم السلام به غیر از خدا هیچ چیزی را در نظر نداشتند، و بسیار از برای آنها ممکن بود حاکم بر مردم شوند، ولی حاضر نمی‌شدند، که کوچکترین خدمتی به ظالم و یا از برای غیر خداوند متعال انجام دهند، چون می‌دیدند که این امر می‌شود، ولی با

مقداری عصیان خدا ولو بسیار مختصر... و واضح‌ترین مثال که در ذهن ما مسلمانان می‌باشد، تاریخ و زندگانی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و خلفای برحقش ائمه اطهار علیهم السلام می‌باشند، که اگر می‌خواستند کوچکترین کمکی به حکومت‌های زمان خود کنند، دنیا به طرف آنها روی می‌آورد، و برای آنها ممکن بود به آزادی کامل بتوانند عده زیادی از مردم را دور خود جمع کنند، ولی همین تأیید مختصر را حاضر نشدند انجام دهند، و از برای خود زندان و شهادت و فرار و فشار را ترجیح دادند، که طبیعتاً از هدایت و ارشاد مردم هم محروم می‌شدند، چون که آنها می‌دیدند که محور واقعی و اساسی حرکت آنها (تقوی و پرهیزکاری) است، و اگر هدایت با تقوی امکان داشت، پس به نتیجه مطلوب خواهند رسید، و الا لازم بود که تقوی را ملازم خود گردانند، و همان تقوی و حقیقت آنها بود که تا امروز نام آنها در صفحات تاریخ به پاکی و پاکیزگی برده می‌شود، و کوچکترین نقطه ضعفی در زندگانی آنان به چشم نمی‌خورد، ولی دشمنان آنها که حکومت را به هزار راه نامشروع و نیرنگ و دروغ‌پردازی به دست می‌آوردند، نامشان تا به حال و تا ابد در تاریخ سیاه خواهد بود، و همیشه مردم از آنها به زشتی و پلیدی یاد می‌کنند. دیگر اینکه اسلام مطلقاً این کلام را قبول ندارد که: (هدف وسیله را توجیه می‌کند) و اینکه گفتیم (تقوی) از سخت‌ترین شروط است، مطلبی است روشن، و تسلط بر نفس در هر مورد، خصوصاً اگر راه‌های آزادی به سوی آن باز باشد، تملق گوئی‌های مردم از یک سو، و وسوسه‌های شیطانی از سوی دیگر، همیشه با انسان باشد، خواهیم دید که تقوی و پرهیزکاری از مشکل‌ترین امور خواهد بود. به قول شاعر: نفسی و شیطانی و دنیا و الهوی***کیف الخلاص و کلهم أعدائی؟ نفس اماره و شیطان و دنیا و هوا و هوس. همه دشمنان من می‌باشند، چگونه از آنها نجات یابم؟ شیخ انصاری (قدس سره) فرموده است: (عالم شدن چه مشکل، آدم شدن چه اشکل). و قبل از ایشان خداوند متعال خطاب عجیبی به پیامبر عظیم الشان اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله نموده و می‌فرماید: (ولو لا- أن ثبتناک لقد کدت ترکن الیهم شیئاً قليلاً، اذن لأذقناک ضعف الحیاء و ضعف الممات). اگر نه اینکه ثبات می‌دادیم تو را، هر آینه نزدیک بود که به سوی ایشان (یعنی کفار) اندکی میل کنی، آنگاه می‌چشانیدیم تو را دوچندان عذاب زندگی، و دوچندان عذاب مرگ را. و در داستان حضرت یوسف علیه السلام در قرآن کریم آمده: (و هم بها لولا أن رأى برهان ربه). اگر ندیده بود، برهان و حجت پروردگار خود را به خواهش او (زلیخا) جواب مثبت داده بود. و از این مثالها بسیار زیاد است.

مقایسه بین اسلام و دیگر مکتبها

مقایسه بین اسلام و دیگر مکتبها کسی که می‌خواهد احکام اسلام را پیاده کند، و نظام قرآن را به زندگانی و به جامعه بشری برگرداند، و در تمام امور مردم را به سوی اسلام دعوت کند، باید به دو جهت اهمیت فراوان دهد، تا مقدمه تطبیق اسلام به دست آید. ۱- جهت ایجابی، که ترویج و نشر نظام اسلام است. ۲- جهت سلبی، که مشاغل و بدیهای نظامهای غیر اسلامی است. اما جهت ایجابی: پس به تأسیس مؤسسات اسلامی و فرهنگی و ملی به تمام انواع آن. ۱- بنای مساجد، و نصب بلندگوهای تبلیغاتی در آنها. ۲- باز کردن مدارس حفظ قرآن، و تعلیم تفسیر و تجوید آن، و همچنین تعلیم سایر علوم اسلامی. ۳- باز کردن مدارس دینی در تمام شهرها و کشورهای اسلامی. ۴- باز کردن مدارس برای تبلیغ و تربیت مبلغ و خطیب و ادیب و غیره... ۵- باز کردن مدارس جدید که شامل علوم اسلامی به اندازه حاجت و علوم روز به تمام انواع غیر حرام آن. ۶- باز کردن مدارس ایتم، و مهد کودک، و اماکن خاصّی از برای معلولین و بزرگسالان و مستمندان، و کارگاه‌های صنعتی و کارهای دستی و غیره، از برای کسانی که خود دارای سرمایه نیستند و یا اینکه نمی‌توانند از برای کار خود بازاریابی کنند. ۷- باز کردن درمانگاه و بیمارستان و زایشگاه، طبق قوانین اسلام، از لحاظ طبّ و پرستاری و غیره. ۸- گذاشتن صندوقهای خیری از برای برنامه‌های اسلامی و انسانی، از قبیل اطعام فقرا، و خرید لباس و پوشاک برای مستمندان و ایتم، و کمک به ازدواج جوانان، و بنای ساختمانهای فقرا، و کمک به درماندگان و بیچارگان، و دادن سرمایه به بیکاران از برای کار، و شبه این کارها، که البته بسیار زیاد است. ۹- تأسیس چاپخانه‌های مدرن، از

برای چاپ کتابهای اسلامی و غیره، که منافاتی با اسلام ندارد. ۱۰- باز کردن و تأسیس کتابخانه‌های عمومی ۱۱- اخراج و نوشتن روزنامه و مجلات و نشریات اسلامی ۱۲- به وجود آوردن دوره‌های ورزشی و مسابقات اسلامی، و جلسات دینی. ۱۳- تأسیس هیئتهای تبلیغی سیار، و کتابخانه‌های اسلامی سیار، و فیلمهای اسلامی سیار، و نمایشنامه‌های اسلامی، تا با این روشها مردم را به سوی اسلام تشویق کرده و آنها را کم کم با برنامه‌های اسلامی آشنا گردانیم. ۱۴- تألیف هرچه بیشتر از کتابهایی که تمام جوانب اسلام را بحث کرده باشند، با وسعت انتشار آن به صورت مستمر، و من گمان می‌کنم که اگر ما مسلمانان ده هزار قسم کتاب بتوانیم در شئون مختلف و برنامه‌های اسلامی تألیف کنیم، هنوز نتوانسته‌ایم تمام جوانب اسلامی را از برای مردم جامعه با توجه به اختلاف فهم و مستوهای علمی آنها شرح داده باشیم. ۱۵- اقامه مجالس جشن و سوگواری در مناسبات دینی، مخصوصاً در ایام شهادت و میلاد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار و حضرت زهرا علیهم السلام. ۱۶- تأسیس باشگاههای اسلامی، و نشان دادن نمایش و هنرهای اسلامی را، بطوری که بتوانیم جوانان خود را به آنجا دعوت کرده و از اماکن فساد و بی‌دینی نجات دهیم. ۱۷- تأسیس ایستگاههای رادیویی و تلویزیونی در هر شهر، و توجیه مردم به سوی اسلام. ۱۸- تشویق کردن مردم در موسسه‌های اسلامی، به اجرای برنامه آن موسم، مانند رفتن به حج و عمره، و زیارت اماکن مقدسه، مخصوصاً مراقب مشرفه ائمه اطهار، و تشکیل کنفرانسهای اسلامی در ایام زیارات مخصوصه امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام و همچنین زیارات حضرت سیدالشهداء حسین بن علی علیه السلام، که هزاران نفر از مسلمانان جهان در این اماکن حضور دارند. ۱۹- تأسیس دوره‌های علمی از برای ترجمه کتابهای دینی به لغات زنده جهان. ۲۰- تأسیس موسسات بزرگ اسلامی از برای پخش نوار به زبانهای مختلف و رساندن احادیث و سخنان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و خاندان معصومش علیهم السلام به مردم جهان. ۲۱- فرستادن عدّه‌ای از جوانان خوش استعدادمان به خارج، برای کسب علوم و اختراعات و اکتشافات اروپائیان، و بعد از آن خود کفا شدن در امور خود. البته برنامه‌های دیگر مربوط به اسلام از لحاظ فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و اجتماعی بسیار زیاد است، که هر کدام در واقع یک فصل باید درباره آنها بحث کرد، ولی هدف از نوشتن این کتاب به اختصار می‌باشد. اما بحث ما از لحاظ سلبی کار کردن! اسلام، خود یک مبدأ و عقیده است، و یک فرهنگ و تمدن و تاریخ، و دارای قوانین تشریحی می‌باشد، کما اینکه غیر از اسلام هم تمام مبادی و ملل گذشته و حاضر دارای عقیده، تاریخ، تمدن، و تشریح می‌باشند، و بر همه واضح است که زیباییهای هرچیز وقتی هویدا می‌شود، که مقایسه به غیر شود، چون که (الأشیاء تعرف بأضدادها) (هرچیز با مقایسه ضدش واضح و معلوم می‌شود) پس اگر توانستیم مقارنه و مقایسه کنیم اسلام را در امور مختلف با بقیه ادیان و عقائد، قطعاً هر انسان عاقلی با تمام وجود و تصمیم مسلمان خواهد شد، مگر اینکه معاند باشد، که غالباً این افراد بسیار کم می‌باشند، و ضرری به اجتماع نخواهند زد، و قصد من از این کلام این نیست که سلبی کار کردن یعنی هجوم آوردن و بدگویی کردن از سایر عقاید و تمدن‌ها، بلکه قصد این است که حقایق و خرافات سایر ادیان را بیان کنیم و مقایسه با حقائق اسلامی نمائیم، تا اینکه حق و حقیقت واقعی که سبب سعادت و خوشبختی بشر در دنیا و آخرت می‌باشد روشن گردد، و کدام شخصی است که رغبت نداشته باشد خود و اجتماعش به سعادت و واقعیت برسد؟ شاید تمام بشر به حقیقت دست یابند.

صنعتی کردن کشورهای اسلامی

صنعتی کردن کشورهای اسلامی از مهمترین اموری که سبب بیداری مسلمانان و تطبیق قوانین بر زندگانی می‌شود، صنعتی کردن کشورهای اسلامی است، چون که قسمت بزرگی از گناه انحراف و دوری از دستورات اسلامی به گردن بی‌سوادی و ابتدائی بودن کشورهای اسلامی از لحاظ صنعت روز است. کشورهای ما همیشه خود را محتاج به صنایع غربی می‌دانند، لذا به آنها به نظر احترام می‌نگرند، و این نوع دید غربی و حقارت که در خود احساس می‌کنیم سبب شده است که هرچه آنها بگویند بپذیریم چه از لحاظ

عقاید و چه از لحاظ تمدن و صنعت، چون انسان محتاج همیشه دست دراز کرده و مجبور است از برای رفع احتیاج، هرچه اربابان بگویند بپذیرد. امام و پیشوای ما امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: (احتج الی من شئت تکن أسیره، واستغن عمن شئت تکن نظیره، واحسن، الی من شئت تکن أمره) سخن مولا سه قسمت است: ۱- محتاج هرکس که باشی اسیر و بنده او هستی. ۲- اگر احتیاج به کسی نداشته باشی، بشری مثل و مانند او هستی. ۳- اگر بر دیگران احسان کنی و آنها محتاج شما باشند، شما بر آنها آقا خواهی بود. و در مثال آمده (چه بسا احسانی سبب بندگی انسانی شود) و چون اسلام همیشه خواسته مسلمانان آقا و عزیز باشند، لذا باید سعی کنیم و همت نمائیم که دنیای غرب محتاج ما شود، و با این معادن و چشمه‌های نفت و طلائی که خداوند به ما ارزانی داده، چرا ما باید ذلیل باشیم، و تمام خیرات و برکات ما را برده، و در مقابل آن با ذلت، مقدار مختصری از صنایع خود را به ما واگذارند، اسلامی که شما را عزیز گردانیده، خود کفائی مسلمانان را در تمام امور از کفّار واجب می‌داند، ولی ما مسلمانان در خواب غفلت فرو رفته و با صورت باز تمام اجناس غربی را در کشورهایمان وارد کرده و مورد استفاده قرار می‌دهیم، و آنچه که هیچ به فکر آن نیستیم به خود کفائی رسیدن است، و مادامی که کشورهای ما زندگانی خود را به حالت ابتدائی و احتیاج می‌گذرانند، چه بخواهیم و چه نخواهیم، زیر یوغ استعمار غربی و فکری آنها به سر خواهیم برد. در حدیث آمده: (من لا معاش له لا معاد له) هرکس در آمدی نداشته باشد، آخرتی هم نخواهد داشت، اشاره به آن است که مرد خداشناس و مسلمان نباید بیکار باشد، بلکه باید همیشه کوشش و فعالیت نماید تا هیچوقت محتاج دشمنان خود نباشد، و صنعتی کردن کشورهای اسلامی از همه لحاظ، با اینکه احتیاج به (نیرو) و (ماده) و (طرح نقشه) دارد، ولی شروع کردن به آن ولو کم کم و توسط افراد خیرخواه، سبب جلب و آوردن بسیاری از کارخانه‌ها خواهد شد، به اندازه امکانات و این کار معلوم نیست آنقدرها مشکل باشد، و من خیال می‌کنم هر مقداری که ما احتیاجمان از صنایع خارجی کم شود و خودکفا شویم، به همان اندازه می‌توانیم اسلام را پیاده کنیم، به شرط آنکه با آن یک توجیه و اداره صحیح هم بوده باشد.

معرفی و تبلیغ اسلام در غرب

معرفی و تبلیغ اسلام در غرب معرفتی و تبلیغ اسلام در غرب: ما مسلمانان، مخصوصاً مبلغین دلسوز، و کسانی که جدّاً می‌خواهند خدمتگذار اسلام باشند و احکام آن را پیاده کنند، باید تمام نیرو و امکانات خود را صرف کنند، و بهترین اوقات خود را بذل نمایند تا اینکه اسلام را در غرب معرفتی کرده، و مردم را به عقائد و دستورات اسلامی آشنا گردانند، چون که غربیها از زندگانی مادی عاجز و درمانده شده‌اند، و حیران در جستجوی راهی هستند که از مشاکل و سختیهای که در آن افتاده‌اند نجات یابند، ولی هر روز بر مشکلات آنها افزوده می‌شود، و تمام قوانین و نظامها و ادیان را تجربه کرده‌اند و (با همه آنها درمان کرده‌اند، ولی شفا نیافته‌اند) لذا اگر جدّاً عده‌ای از اهل علم و فضلا با تمام جدیت و اخلاص سعی کنند آنها را اصلاح نمایند و اسلام را در آن کشورها معرفتی کرده و مردم آن دیار را به دین اسلام دعوت کنند، رجا و امیدواری فراوانی هست که عده زیادی از آنها به اسلام بگردند، و در آینده نزدیک اسلام تمام غرب را فتح کند، به شرط آنکه شرایط جمع شود، و زمینه‌سازی از برای یک حرکت واسع اسلامی گذاشته شود، چون که امروزه دیگر غل و زنجیر تعصبات شکسته شده، و بیشتر مغزهای بشری در جستجوی حقائق و ادیان واقعی می‌باشند، و در غرب خلأ عقائدی موجود است، و کلیساهای نصاری نمی‌تواند این فضای خالی عقائدی را پر گردانند، و این خود بهترین کمک را از برای نمو اسلام در غرب خواهد کرد، و عده‌ای از علمای غرب پیش‌بینی کرده‌اند که آینده غرب از برای اسلام خواهد بود. فیلسوف بزرگ انگلستان (برناردشو) می‌گوید: (اگر مردی مانند محمد صلی الله علیه و آله زمام جهان غرب را به دست گیرد، می‌تواند از تمام بیماریها و علل، آن را شفا دهد، بلکه باید پیامبر اسلام را نجات دهنده انسانیت نامید، و من معتقدم که دین محمدی تنها دینی است که تمام شرایط لازم را در خود دارا است، و موافقت با تمام احتیاجات زندگی دارد، و پیش‌بینی می‌کنم که

در آینده دین محمد صلی الله علیه و آله مورد قبول مردم (اروپا) واقع خواهد شد، و امروز هم می‌بینیم که عده‌ای از اروپائیان او را قبول کرده‌اند و پیرو دین اسلام شده‌اند، و چقدر جهان امروز به مردی چون محمد صلی الله علیه و آله احتیاج دارد، که مشکل جهان را حل کند). ضروری است برای اصلاح امور اسلامی شروطی فراهم گردد: ۱- تعداد بسیاری مبلغ فعالیت خود را شروع کرده و لااقل کار را از هزار نفر شروع کنند. ۲- افراد مبلغ خود دارای بیشترین صفت (تقوی)، (اخلاص)، (اخلاق)، (پایداری)، (تصمیم)، (رأفت) بوده باشند. ۳- دانا به فرهنگ اسلام، و قوانین بقیه ادیان علی‌الخصوص مسیحیت باشند، به اضافه دانستن لغت‌های خارجی. ۴- در امور معاش اعتماد به نفس داشته باشند، و مقداری از وقت خود را صرف کار برای امرار معاش و زندگانی، و مقداری را صرف تبلیغ اسلام نمایند، همچنان که اصحاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله و همچنین ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و یارانشان می‌کردند، و زندگی از دست رنج و عرق جبین را بزرگترین عبادت در راه خدا می‌دانستند. لازم است که مبلغین اهمیت بسیاری به تبلیغ دین و دنیای مردم دهند، همان طور که اسلام امر کرده است، و مبلغ وقت خود را فقط صرف تبلیغ نکند، بلکه باید به امور مردم هم اهتمام دهد، و کارهای مربوط به دنیای آنها را تا حد امکان حل نماید، و به گرفتاریهای آنها رسیدگی کند، اگر مشکله‌ای برای او پیش آمده و یا قرضی به گردن اوست و یا سرمایه می‌خواهد، و یا احتیاج به کمک فکری دارد، هر قدر که در توان مبلغ است، باید برای او انجام دهد، و او را از مشاغل نجات دهد، و به سبب اینکه مردم دور انبیاء و ائمه اطهار علیهم‌السلام جمع می‌شدند، این بود که آنها مردم را به دنیا و آخرت هردو باهم تشویق می‌کردند، حضرت رسول صلی الله علیه و آله می‌فرماید: (اعمل لدنیاک کأنک تعیش أبدا، و اعمل لآخرتک کأنک تموت غدا). برای دنیای خود کوشش کن، مانند کسی که همیشه زنده خواهد بود، و از برای آخرت خود چنان کوشش کن مانند آنکه فردا خواهی مرد، و حضرت موسی علیه‌السلام بنی اسرائیل را هم از ظلم فرعون نجات داد، و هم از بی‌دینی، و حضرت عیسی علیه‌السلام مردم کر و کور و پیس را شفا می‌داد، و پیامبر عظیم‌الشأن اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرمودند: (إذا أتبعتمونی تکونوا ملوکا فی دنیاکم، و سعداء فی آخرتکم) اگر از من پیروی کنید در دنیا پادشاه و آقا خواهید شد، و در آخرت سعادت‌مند. از ضروریات تبلیغ این است که مبلغ در هر جا که مشغول تبلیغ می‌شود فوراً باید با همت مردم و اهل خیر یک (مسجد و مدرسه و کتابخانه و مجله و صندوق خیریه تأسیس نماید) تا در مسجد مردم را جمع‌آوری و تبلیغ کند و در مدرسه کودکان را تربیت کند و در کتابخانه جوانان از کتابهای اسلامی استفاده نمایند و صندوق خیریه از برای جمع‌آوری تبرّعات و کمک کردن به بیچارگان و کارهای خیر باشد، چون که این کارها هسته‌های اولیه است برای کار، و فعالیت و جمع کردن مردم و رسیدن به مؤسسات خیری و بزرگ، و اگر خداوند بخواهد و اراده کند و مسلمانان دست به دست هم داده و چنین حرکتی ایجاد کنند، امیدواریم که یک قرن نگذرد مگر اینکه مردم غرب، فوج فوج داخل اسلام شوند، و این کار بزرگترین خدمت است به اسلام و قرآن و بشریت. هیچ کس خیال نکند که مردم غرب ممکن نیست اسلام را بپذیرند چون مادیت در آنها طغیان کرده، و قدرت تبشیر مسیحیت در آنجا زیاد است، و سیاست آنجا بر ضد اسلام است، اینها تمام دلیل است که اسلام در آنجا منتشر می‌شود، چونکه مردم از مادیت و سیاستمداران مادی خود عاجز شده‌اند، و برایشان ثابت شده که مسیحیت عاجز است مشکلات زندگانی آنها را حل نماید، لذا آنها در ظروف فعلی بیشتر از هر وقت دیگر، برای قبول دین صحیح و پاکیزه اسلام قابلیت دارند.

آزادی در اسلام

آزادی در اسلام مهمترین چیزی که باید مبلغین به مردم مخصوصاً به کسانی که می‌خواهند به سوی اسلام جلب شوند، و به جوانان مسلمانی که از اسلام دور شده‌اند و از مسائل اسلامی اطلاعی ندارند بفهمانند، چهار چیز می‌باشد: ۱- آزادیهای زیادی که در اسلام می‌باشد، چنانکه پروردگار عالمیان در قرآن کریم در وصف پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: (یضع عنهم اصرهم

والأغلال الّتی کانت علیهم) فرو مینهد از ایشان بار گرانشان را و آن تکالیف شاقه‌ای که بود. چون در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله، عده‌ای از مردم که بسیار اندک بودند در خوشی و راحتی بسر می‌بردند، ولی اکثریت در فقر و بدبختی و با یک قوت لایموت، نیروی خود را از برای همان طبقه مرفّه و سرمایه‌دار صرف می‌کردند، و عبد و بنده مطیع اربابان خود بودند، و اگر از اوامر آنها سرپیچی می‌کردند به اشدّ مجازات می‌رسیدند، و زیر سخت‌ترین شکنجه‌های جسمی قرار می‌گرفتند، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آن افراد بیچاره و مستضعف را از دست ظالمان نجات داد، و آنها را از قید بندگی آزاد کرد، و هیچ دینی مانند اسلام به مردم آزادی بخشیده، نه قبل از اسلام، و نه بعد از آن، و در اسلام تجارت، کشاورزی، ساختمان، سفر کردن، خرید و فروش و غیره... تمام آزاد است، به شرط آنکه حقوق دیگران پایمال نشود، از آزادی سوء استفاده نشود، و در چهارچوب قوانین اسلامی انجام گیرد. ۲- دین اسلام همیشه با راکد بودن و تنبلی و عقب افتادگی در جنگ است، حتی از لحاظ (شهوات جنسی و جسدی) اسلام بیشترین قدر امکان راه را از برای مردم باز گذاشته است، ولی در حدّ و مرز پاکیزگی و تقوی و مصالح اجتماعی و خصوصی دیگران. ۳- پیشرفتی که در تمام امور در اسلام موجود است، غیر از چیزهایی که اصیل است و ممکن‌التغییر نیست، مثلاً (توحید و یگانگی خداوند، و راستگویی، و حرمت شرب خمر، و لازم بودن عدالت و غیره) در این امور پیشرفت معنی ندارد، چون خود بر نظام و مصلحت حقیقی و اصیل می‌باشد، ولی (امور ساختمانی، سفر، لباس، و پیشرفتهای دیگر روز و جدید فیزیکی، پزشکی، ریاضی و اتمی) که تمام مربوط به زندگی و دنیای بهتر و زیستن راحت‌تر است در اسلام آزاد، بلکه همیشه اسلام مسلمانان را از برای پیشبرد این هدفها تشویق کرده، ولی همان کشورهای استعماری که فقط پیشرفت فساد را در جوانان ما به اسم تمدّن به پیش می‌برند، تا آنها را از اسلام دور گردانند، و همیشه در خواب غفلت فرو برونند، سعی می‌کنند که جلو آن فعالیتها در کشورهای اسلامی گرفته شود، تا همیشه مسلمانان محتاج غرب و شرق باشند، و هیچ وقت پیشرفت نکنند. ۴- آبادی زمین، و پیشرفت علوم فرهنگی، که همیشه اسلام بیش از تمام ادیان و قوانین پیروان خود را به آن تشویق می‌کند، و راه و نقشه‌های دقیقی از برای پیشبرد این دو هدف وضع کرده است. بر همه روشن است که دانستن این امور و حدود آنها و مقایسه به سایر ادیان و مبادی، احتیاج به دانش و معلومات فراوانی دارد که به سه امر مهم آن اشاره می‌کنیم: ۱- اسلام و مسائل اسلامی و احکام آن را خوب بدانند. ۲- به سایر ادیان و مبادی و احکام آنها علم داشته باشد. ۳- بتواند مقارنه و مقایسه صحیح و دقیق بین اسلام و آنها بنماید.

نتیجه بحث

نتیجه بحث اگر تمام بحثهای سابق را خوب دانستیم، پس می‌گوئیم چنانکه معلوم باشد: الف - آسانی قوانین و دستورات اسلامی در همه امور. ب - هول و ترس نگرستن حکام و امرا و رؤسای کشورهای اسلامی از اسلام. چون دولت اسلامی بنای عزل و راندن رؤسای کشورها را ندارد، بلکه از حکام می‌طلبد که اسلام را اولاً بر خود و بعد بر مردم تطبیق کنند، و اگر خلاف اسلام و دستورات اسلامی عمل کنند، آن وقت مسلمانان کسی دیگر را انتخاب خواهند کرد، لذا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، شیوخ و بزرگان عشایر را که به منزله رؤسا و امرای امروز بودند به جای خود گذاشت، و از برای آنها احترام قائل بود، به شرط آنکه تابع احکام اسلام شوند، و از برای قوانین اسلامی سر فرود آورند، و تاریخ نشان نداده که پیامبر صلی الله علیه و آله یکی از آنها را که اسلام را پذیرفته است عزل کرده باشد. ج - کرامت و شخصیت بشری در سایه اسلام و حکومت اسلامی محفوظ خواهد ماند، و هیچ قانونی در جهان به اندازه اسلام شخصیت و بزرگواری و آقائی به انسان نمی‌تواند کرامت کند. د - اسلام دین سلم و سلام و سعادت است، که جهان بشری با شوق عجیبی در جستجوی آن است. حال اگر این امور چهارگانه به اضافه مباحث سابق را بدانیم، خواهیم دانست که اگر مردم جهان را به اسلام صحیح و واقعی دعوت کنیم، قطعاً فوج فوج، دعوت ما را پذیرفته، و به اسلام ایمان خواهند آورد. از خداوند متعال خواهانیم که همگی را به آنچه رضایت اوست توفیق عنایت فرماید، و ما را از دعوت کنندگان و مبلغین اسلام قرار

دهد، تا بتوانیم انشاءالله از خدمتگذاران قرآن و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت اطهار علیهم السلام قرار گرفته، و دستورات آن بزرگواران را که از طرف پروردگار داده شده پیاده نمائیم اوست کمک کننده و یاری دهنده مستضعفان. اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمه تعز بها الاسلام و أهله، و تذلل بها النفاق و أهله، و تجعلنا فيها من الدعاء الى طاعتك، والقاده الى سبيلك. کربلاي مقدسه - محمد (۱) طبق برخی آمارهای اخیر تعداد مسلمانان در حال حاضر در حدود ۲ میلیارد می باشد.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جاهدوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

(و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۵۲۴-۲۳۵) (ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و... (ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

(ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

(ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰ IR۹۰

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بپدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

